

آشوراده و هرات

دو کمپینگاه استعمار

۱۳۳۹-۱۳۵۳ هجری قمری
۱۲۱۷-۱۳۰۰ هجری خورشیدی

تألیف

دکتر ابوالفتح وثوق زمانی

۱۲۰۰
ریال



آشوراده و هرات

دو کمینگاه استعمار

۱۳۳۹-۱۲۵۳ هجری قمری

۱۳۰۰-۱۲۱۷ هجری خورشیدی

دکتر ابوالفتح وثوق زمانی



تهران، ۱۳۶۳

www.KetabFarsi.com

فهرست

صفحه

۱۷	مبحث یکم - جنوب خاوری دریای خزر
۱۷	خلیج گرگان
۱۸	تنگه میان خلیج گرگان و دریای خزر
۲۰	رودهای خلیج گرگان
۲۰	رود امیرآباد یا چهار امام
۲۱	رود سیاه آب یا قره سو
۲۶	جزیره‌های آشوراده
۳۱	مبحث دوم - تجاوزهای روسیه تزاری
۳۱	استعمار تزاری و آشوراده‌ها
۴۱	گزارش کنسول انگلیس
۵۶	گزارش برای خاورشناس روس
۵۹	گزارش به آکادمی امپراتوری - پترسبورگ
۷۰	قلعه پلنگان
۷۱	یادداشت‌های اعتمادالسلطنه درباره آشوراده
۷۳	ویرانه‌های تزاری در آشوراده
۷۵	مبحث سوم - آشوراده و هرات دو پایگاه و کمینگاه استعماری
۷۵	آشوراده و هرات در رقابت استعماری روس و انگلیس
۷۹	هرات

هوکز پخش: شرکت ایران یاد - تلفن ۸۴۹۴۲۸

آشوراده و هرات دو کمینگاه استعمار
و نفوذ زمانی، ابوالفتح
چاپ اول، زمستان ۶۳
تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه
حرفچینی: نورالدین
لیتوگرافی: پودنگ
چاپ و صحافی: پرچم
کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

تحلیل جغرافیائی و نظامی درباره لشکرکشی از آشوراده به هرات ۸۰	
گزارش سیاسی و نظامی به امپراتور روس درباره راه استراباد	
به هرات	۸۳
مبحث چهارم - تجاوزهای بریتانیای کبیر	۸۵
استعمار انگلیس و افغانستان	۸۵
جنگهای انگلیس با ایران برای منصرف ساختن ایران از هرات	۹۱
مبحث پنجم - سرانجام آشوراده و هرات	۱۱۱
دورنمایی از پایان نخستین جنگ جهانی	۱۱۱
سرانجام آشوراده	۱۱۳
سرانجام هرات	۱۱۴
مبحث ششم - زمین خواری رضاخان و دودمانش و زمینهای کرانه	
جنوب خاوری دریای خزر	۱۱۷
آغاز سخن	۱۱۷
زمین خواری رضاخان	۱۱۸
املاک و اگذاری	۱۲۱
زمینهای نوپیدا	۱۲۴
حسابداری اختصاصی و بنیاد پهلوی	۱۲۵
بستگان و یاران شاه مخلوع	۱۲۶
حق الارض شیلات	۱۳۰
زمینهای نوپیدای میانکاله و آشوراده	۱۳۵
منابع و توضیحات	۱۳۹
کتابنامه	۱۴۵

فهرست نقشه‌ها

نقشه شماره ۱ - نقشه جنوب خاوری دریای خزر و نمایش	
اختلاف مداری آشوراده با جزیره سابق آبسکون.	
نقشه شماره ۲ - قسمتی از یک نقشه، ترسیم و چاپ نیمه اول سده	
هفدهم، درباره دریای خزر و دریای سیاه.	
به علاوه حاوی شرح ترسیم و منابع علمی و خبری	
آن می باشد.	
نقشه شماره ۳ - قسمتی از نقشه ایران و افغانستان و بلوچستان	
که پس از استقلال افغانستان به چاپ رسیده و	
سرزمین میان آشوراده و هرات و خطوط ارتباطی	
آنها را نشان می دهد.	

نقشه شماره ۲

این نقشه به دستور تزار روس، در نیمه اول سده هجدهم در هلند (آمستردام) به چاپ رسیده است.

از مندرجات آن می‌توان دریافت که نقشه مربوط به زمان اشغال افغانه است.

اهمیت این نقشه در قدمت آن است؛ که وضع سیاسی آن زمان را نشان می‌دهد.

این نقشه در عداد قدیمی‌ترین نقشه علمی و صحیح دریای خزر است.

درباره DELISLE (Guillaume) دانشمند فرانسوی که از وی در متن یاد شده و به ترسیم وی استناد گشته، این توضیح لازم است که این دانشمند از (۱۶۷۵ تا ۱۷۲۶ م.) (۱۰۵۴ تا ۱۱۰۵ خ.) در پاریس می‌زیسته و دانشمند نام‌آور علوم جغرافیائی بوده است. برای نخستین بار نقشه‌های علمی و صحیح قاره‌ها را رسم کرده و کره‌های سماوی و ارضی را ساخته است. آخرین اثر وی نقشه جهان نما است که در (۱۷۲۰ م.) انتشار داد.

تأپیش از وی علمای هیئت و جغرافیا بر اساس فرضیه‌ها و نظرهای بطلمیوس فعالیت علمی داشتند.

ترجمه و تلخیص از:

- 1) Grand Larousse Encyclopedique.
- 2) Dictionnaire Universel Des Noms Propres «Robert.»

نقشه شماره ۱

نقشه جنوب خاوری دریای خزر و پیرامون آن :

بر روی این نقشه، اختلاف مداری آشوراده و جزیره سابق آبسکون در کرانه خاوری دریای خزر، بر حسب تعیین خواجه نصیرالدین و الخ بیک نشان داده شده است.

سه جزیره به هم پیوسته آشوراده، متصل به نیم جزیره میانکاله و صیدگاههای آنها و قلعه پلنگان و رود سیاه آب و دهکده سی جوال و صیدگاههای قدیم و جدید خاوری در این نقشه آمده است.

درباره صیدگاه ترکمن نزدیک دهنه رود اتسرك، این توضیح لازم است که شرکت سهامی شیلات ایران در آغاز تشکیل خود، این صیدگاه را به صورت جزیره‌ای نزدیک ساحل احداث کرد.

بر اثر کاهش پی‌درپی آب دریای خزر؛ صیدگاههای گمیشان (گمش‌تپه) و خواجه نفس از دریا خیلی دور ماندند؛ ناگزیر صیدگاههای جدیدی به صورت جزیره‌ای مقابل صیدگاههای قدیم ایجاد گشت.

بنام خدا

مقدمه ناشر:

این کتاب، اثر خامه شیوا و پژوهش بی طرفانه آقای دکتر ابوالفتح وثوق زمانی است که در اصل بر مبنای پایان نامه لیسانس و رساله دکتری خود نگاشته‌اند.

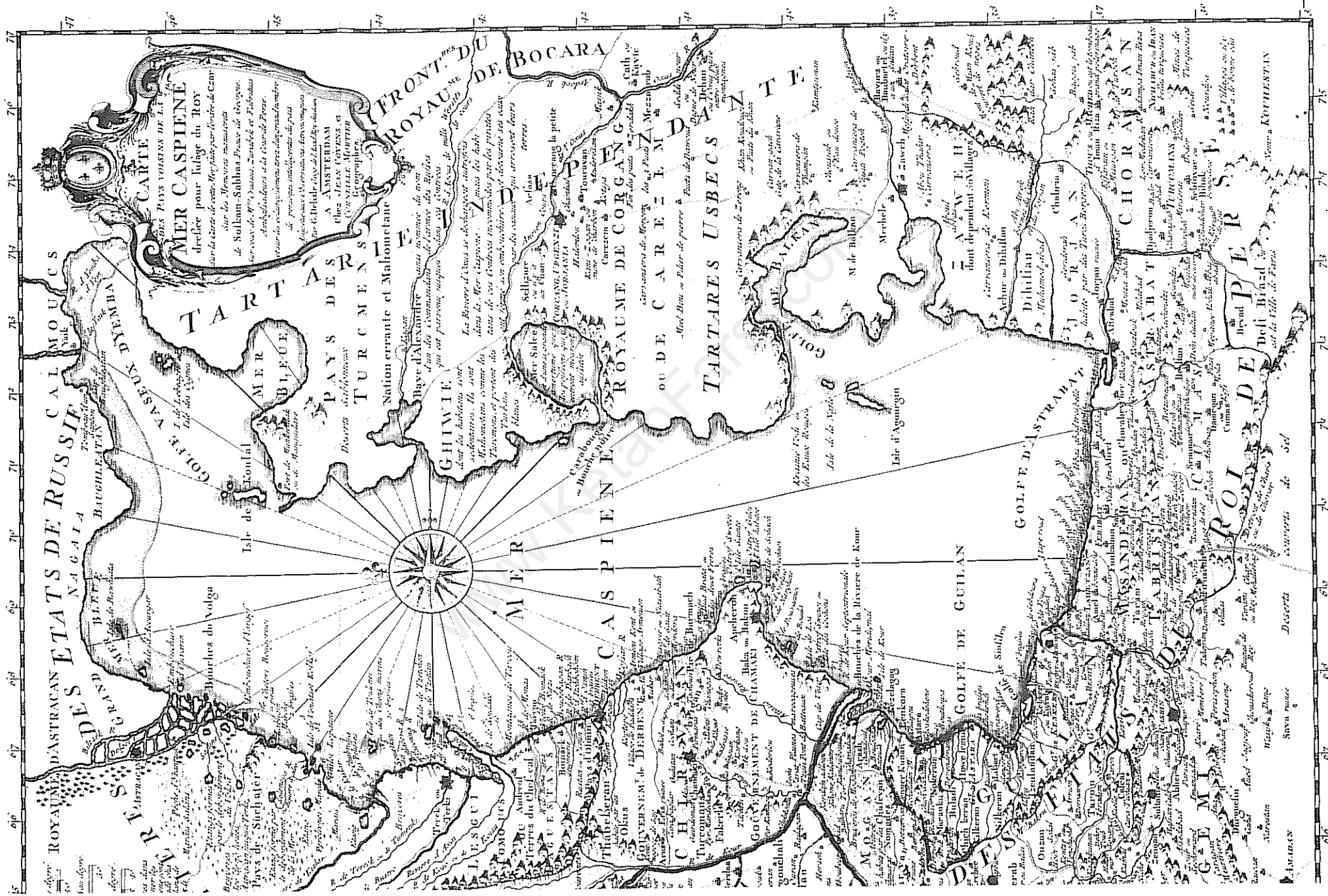
برای آشنائی بیشتر لازم است توضیح داده شود، که پایان نامه لیسانس مورد نظر را در رشته علوم سیاسی و درباره «رقابت روس و انگلیس در افغانستان» نوشته‌اند که در سال ۱۳۲۲ با درجه «خیلی خوب» به تصویب رسیده است. رساله دکتری مذکور را نیز در رشته اقتصاد و درباره «شیلات» نوشته‌اند که در سال ۱۳۵۵ با درجه «عالی» به تصویب رسیده است. تنها برای تحریر رساله اخیر، چهارده سال زحمت کشیده و در بایگانی‌های کشورهای جهان از جمله بایگانی را کسد وزارت امور خارجه ایران، تحقیق و جستجو کرده‌اند.

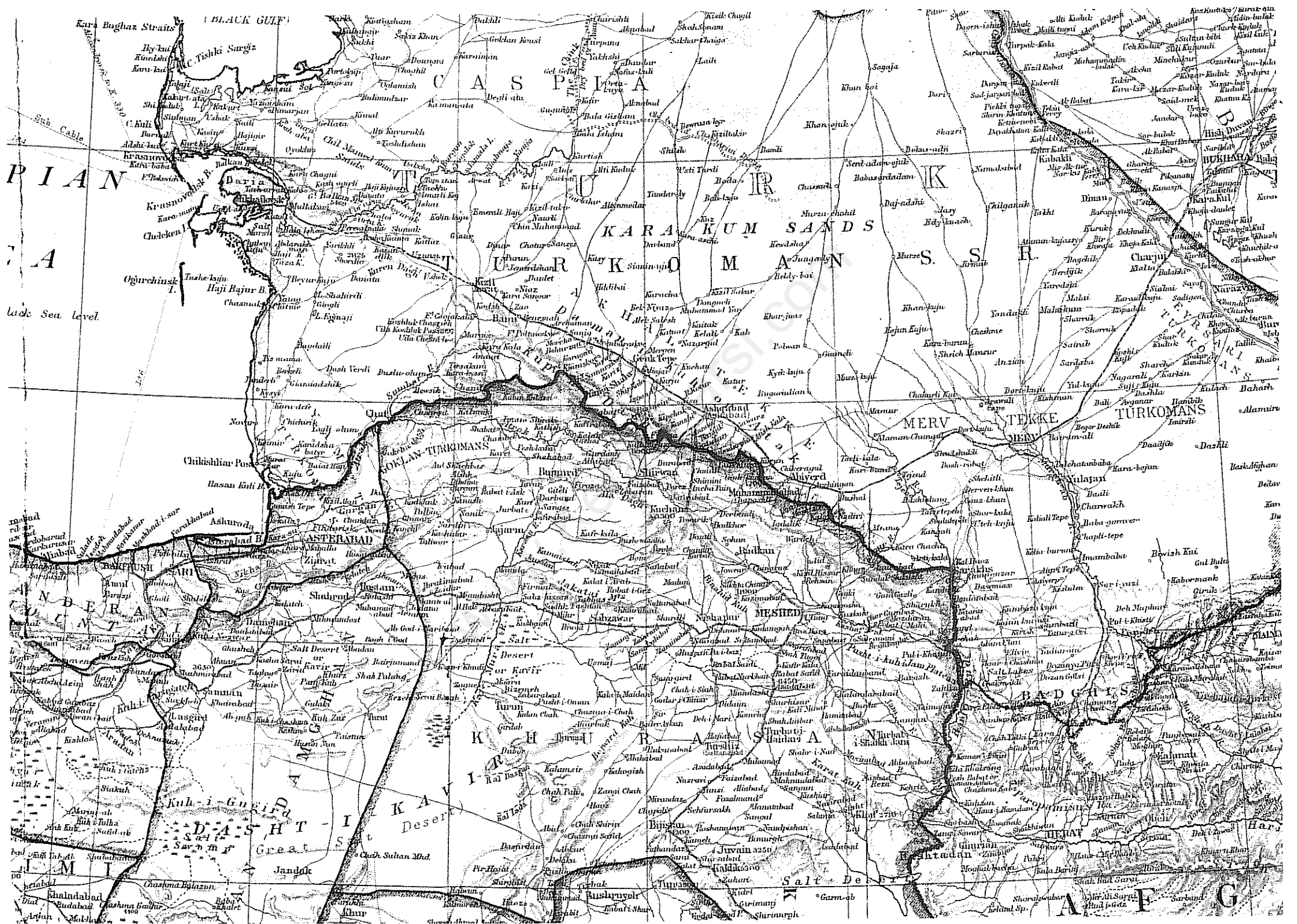
شیوه ساده، وزسای نگارش نویسنده، نمونه و الگوی زنده‌ای برای دانشجویان و ادب دوستان کشور ما و بطور کلی بسرای فارسی زبانان می‌باشد.

بی‌طرفی سیاسی نویسنده، در زمینه تحقیق، درسراسر مندرجات این کتاب و بطور کلی در تحقیقات ایشان آشکار می‌باشد. و از ماخذ داخلی و خارجی تا آنجا که در دسترس بوده، برای مقایسه و مقابله و

نقشه شماره ۳

نقشه شماره ۳ قسمتی از نقشه ایران و افغانستان و بلوچستان است که در انگلستان پس از استقلال افغانستان به چاپ رسیده و بر روی آن سرزمین میان استرآباد و هرات و خطوط ارتباط آن‌ها را می‌توان دید. آن هنگام هنوز آشوراده به صورت کنونی در نیامده بود. دولت و کشور پاکستان نیز تشکیل نیافته و بلوچستان شرقی هنوز مستعمره بریتانیا بود.





RIAN
A
Black Sea level

AMBERIAN
MOUNTAINS
Kuh-i-Gunduz
DASH-T-I
Great Salt Desert
Jandak

CASPIAN
KARAKUM SANDS
UR
TURKOMANS

MERV
TEKKE
YENI
TURKOMANS

KURH
IR
KAV
Desert

BADGHIS
MURAV
AFG

پی جوئی و حقیقت یابی استفاده کرده اند.

در حالی که از شوینسم و وطن پرستی افراطی بیزاری جسته، میهن دوستی صادقانه را ستوده و پیشه خود ساخته و در همه حال استعمار و سپس امپریالیسم، آماج پیکار نویسنده است.

به مناسبت صحبت از جنوب شرقی دریای خزر، مختصری از نظرهای تحقیقی خود را در زمینه بهره برداری از خلیج گرگان و احیای تنگه آن و استفاده از رود سیاه آب (قره سو)، برای پرورش طبیعی ماهی و ماهی گیری نوشته اند، که توجه به این امور کمکی است به امر خود کفائی کشور.

در فصل پایانی کتاب، به خواهش ناشر، شرحی از مبارزات ایشان در شیلات با زمین خواری و باج ستانی رژیم سابق در اراضی ساحلی دریای خزر و از جمله در آشوراده و میانکاله، به اجمال آمده، که گوشه ای از پیکار و تکاپوی محجوبانه مؤلف محترم است. و نشان میدهد که هم زمان با شکنجه ها و خونریزی های ساواک، چگونه معدودی بی ریا و بی پروا در حفظ حقوق مردم کوشیده اند.

امید است که در آینده، با استفاده از منابع جدید سایر نوشته های ایشان، تکمیل و چاپ و منتشر شود.

بسمه تعالی

سر آغاز

مجمع الجزائر آشوراده و خلیج گرگان از لحاظ اقتصادی و نظامی و سیاسی دارای اهمیت بسیارند:
در حدود پنجاه درصد خسایار ایران، از کرانه های شهرستان گرگان بدست می آید.

آشور کوچک، در این ناحیه مرکزی، مسلط بر همه کرانه جنوب خاوری است. در دریای نا آرام و توفانی خزر، وجود خلیجی امن و آرام برای پهلو گرفتن کشتیها بسیار مهم است؛ بدین سبب، خلیج گرگان و تنگه میان دریای خزر و خلیج گرگان دارای اهمیت فراوان است؛ از اینرو لارویی تنگه و آماده ساختن خلیج، برای پهلو گرفتن کشتیها کاملاً ضروری است.

از جهت نظامی، کافی است یادآوری شود که سالیان بسیار، روسیه تزاری، از همین مجمع الجزائر بر آسیای میانه، نظارت و

فرمان روائی می کرد.

با این همه، مجمع الجزائر آشوراده و خلیج گسگان، چنانکه باید مورد توجه قرار نگرفته و مردم ما هم کمتر آنها را می شناسند. در فرهنگها و همچنین در لغت نامه دهخدا نیز عنایت لازم نشده است.

آشوراده، گذشته ای دردناک دارد و در رقابت استعماری روسیه تزاری و بریتانیای کبیر، موقعی حساس داشته و مرکز ستمها و آزارهای بسیار بوده است.

درفهرست بایگانی را کد وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، سندها و دفترهای بسیاری در این باره موجود است؛ از جمله: مقداری از آنها در نشریه شماره ۲ مرکز بررسی و تنظیم اسناد فهرست شده، که جا دارد مورد توجه و تحلیل صاحب نظران و پژوهشگران قرار گیرد؛ ناگوشه ای از تاریخ پر حادثه دیپلماسی ایران، در دو سده اخیر روشن شود و اهمیت آن برای کشور ما معلوم گردد.

اما آنچه مؤلف در این کتاب آورده، بطور عمده، از جهت رقابت استعمارگران، باهم می باشد در این باره، علاوه بر آشوراده، خلیج گسگان و تنگه میان خلیج گسگان و دریای خزر و به طور کلی جنوب خاوری دریای خزر مطرح است که آشوراده جزئی از آنها است.

تحلیل گران نظامی و جغرافی دانان روس و غیر روس، برای لشکر کشی تزاریان به سوی هندوستان، در میان راههای قدیم، راه استرآباد، هرات و پیشاور را برگزیدند که در این کتاب چند نمونه از پژوهش و توصیه آنان آورده شده. دولت تزاری، از اینرو و همچنین برای ایجاد کمینگاهی برضد رقیب، بر آشوراده ها چیره گشت و تا پایان عمرش نیز دست برنداشت. بریتانیا نیز، به هندوستان اکتفا نکرد

و افغانستان را هم کاملاً و رسماً مستعمره ساخت و هرات را با نیروی نظامی خود از ایران مجزا ساخت و در آنجا روسیه را کمین کرد.

آشوراده، اگرچه پایگاه دریائی بود، ولی وسعت و موقع جغرافیائی آن ایجاد پایگاهی عظیم را میسر نمی ساخت، از اینرو از آشوراده و استرآباد، بیشتر برای سرپل و کمینگاه و مبدأ و آغاز حرکت و حمله باید استفاده می شد. همچنانکه هرات هم در مرز باختری افغانستان بدین سان کمینگاهی در دست بریتانیا بود.

دردریای خزر، پایگاه اصلی و عظیم دریایی روس، در هشرخان (آستراکان) قرار داشت. هشرخان، از آن رو که در مصب بزرگترین رودهای اروپا قرار دارد، اهمیت ویژه ای داشت.

انتقال نیرو از آنجا به آشوراده و استرآباد سریع و آسان بود. عمده مطلب این بود که، سر حلقه راه خاور در دست باشد که بسا استیلا بر خلیج گسگان و آشوراده، این نظر تأمین گشت.

با اشغال آشوراده و هرات، قسمتی از مطامع استعماری دورقیب خونخوار و آزمند بر آورده شد، اما پس از آغاز جنبش های آزادی خواهی و استقلال طلبی در آسیا، از جمله در خود روسیه تزاری، به سال ۱۹۰۵، و پیدایش نهضت مشروطه خواهی در ایران، مسئله مهم تری در برابر استعمارگران مطرح گشت و آن سرکوبی هرگونه نهضت انقلابی بود.

از آن پس آشوراده و هرات، تنها دو کمینگاه و پایگاه نظامی استعماری رقیبان در برابرهم نبود، بلکه بعلاوه پایگاه اختناق آزادی و کمینگاه، برضد آزادیخواهان هم شد.

در بایگانی را کد وزارت امور خارجه، اسنادی برای صید گاههای

خاوری شیلات یافتیم که هر گاه در آن پیرامون جنبشی برضد استعمار می‌شد، تزاریان، مخالفان خود را دستگیر کرده و در آشوراده به زندان می‌افکندند. من نمونه‌هایی از این اسناد را در رساله درباره «شیلات» آورده‌ام. در همین کتاب نیز در گزارشهای، «مکنزی» کنسول انگلیس و «میرزا ابراهیم» نماینده خاورشناس روس «برنهارد دارن» می‌بینیم که تزاریان، زندان (دوستاق خانه) را به درون یکی از کشتی‌ها، به نام «ناردان» برده‌اند.

هنگام پژوهش درباره آشوراده و هرات و رقابت استعماری روس و انگلیس، کتابی قطور به نام «افغانستان در مسیر تاریخ» از مورخ بلند آوازه افغانی «شادروان میر غلام محمد غبار» به دستم رسید، که در آن مقدار زیادی از حقایق آشکار، منقلب گشته بود. از آن بدتر، ادعای نادرست و تشنج آوری، درباره خراسان و سیستان مطرح شده بود، که هیچ یک را نمی‌شد بی‌جواب نهاد؛ از اینرو در مبحث تجاوزهای بریتانیا، گسوسه‌ای از این ناروایی‌ها و نادروستی‌ها را آشکار ساختم و هم از آن طریق تجاوزهای بریتانیا را به ایران و افغانستان نشان دادم.

از فرصت توضیح جنوب خاوری دریای خزر (آشوراده و خلیج گرگان و رود سیاه‌آب) استفاده کرده به مناسبت نیاز روز کشور به پروتئین دریایی، با کمک آمار نشان دادم که در سیاه‌آب، سابقاً در حدود پنجهزار تن ماهی کلمه صید می‌شد، که اکنون به صفر رسیده و با تجدید حیات و احیای وضع گذشته این رود، می‌توان قسمت

جالبی از نیاز کشور را تأمین کرد و از خروج ارز تا حد ممکن جلو گرفت؛ مگر آنکه کارشناسان واقعی احیای سیاه‌آب و خلیج گرگان را مقدور و یا لازم ندانند.

همچنین، در بحث از خلیج گرگان، این ضرورت روز را آشکار ساختم که تنگه میان خلیج گرگان و دریای خزر، باید حتماً لارویی و آزاد و راحت شود. این کار که چندان هم دشوار نیست، از هر جهت از ضرورت‌های روز بشمار می‌آید.

هنگام سلطنت واژگون دودمان پهلوی، یکی از دشواری‌های سنگین و بیجای ملت و دولت ایران، زمین خاوری و زمین فروشی و باج ستانی و غارتگری آنان و خویشاوندان و اعوان و انصار ایشان بود. این دشواری کمر شکن، بویژه، بیشتر دامن گیر ساکنان کرانه ایرانی دریای خزر بود.

آنان، با نام حق الارض (اجاره بهای زمین) اداره‌های دولتی را غارت می‌کردند. آنچه بر مردم و دولت رفته، داشت به بونه‌فروشی می‌رفت، که من نتوانستم با سخن از کرانه‌های جنوب خاوری دریای خزر و صید گاه‌هایش، گوشه‌ای از دفتر سیاه و ننگین غارتگری آنان را نگشایم.

دکتر ابوالفتح وثوق زمانی



مبحث یکم

جنوب خاوری دریای خزر

خلیج گرگان

خلیج گرگان، در جنوب خاوری دریای خزر قرار دارد. درازایش در حدود ۶۰ کیلومتر و در پهن ترین جا، عرضش، در قسمت خاوری ۱۲ کیلومتر است. سطح خلیج، در حدود چهارصد کیلومتر مربع مساحت داشت که پیوسته از آن کم می شود. نیم جزیره (شبه جزیره) میانکاله، همه ضلع شمالی خلیج را می پوشاند و بدین سان آن را از دریای خزر جدا می سازد.

در گذشته، دو بندر مهم در کنار خلیج گرگان بود: بندر گز و بندر ترکمن. نخست بندر گز و در سالیان پسین بندر ترکمن بر اثر فرونشستن آب دریا، ارتباط خود را با دریا از دست داده و هریک مبدل به آبادی مجزا از دریا گشت.

از ژرفای خلیج بطور کلی و همواره کم می شود. بیشتر کرانه های خلیج پست و در برخی جاها ماندابی است.^۱

تنگه میان خلیج گرگان و دریای خزر

ژرفای خلیج در تنگه آن به سوی دریا، به اندازه ای کم شده که «شرکت سهامی شیلات ایران» ناگزیر است این مسدود را پیوسته لاروبی کند؛ و گرنه راه ارتباط دریائی با بندرهای دریای خزر قطع می گردد.

باید دانست که فرآورده های صید گاههای «ترکمن» و «گمیشان» و «خواجه نفس» را که بسیار مهم است، از راه این تنگه به درون خلیج آورده و در سردخانه جزیره آشوراده کوچک، نگه می دارند و از آنجا به تدریج به اسکله بندرترکمن حمل کرده و با کامیونهای سردخانه دار به بابلسر و بندر انزلی و تهران می فرستند. تا چند سال پیش که تنگه میان خلیج و دریا بدین سان بند نیامده بود، فرآورده های کرانه گرگان را با قایقهای بزرگ موتوری (بارکاس) به بندر انزلی می بردند. حمل و نقل دریائی، از زمینی، خیلی ارزانتر است و دشواری هم کمتر دارد.

در رژیم واژگون پیشین، با سخت شدن کار تنگه، ناچار به آلمان سفارش یک دستگاه لاروب را دادند و چون حمل لاروب و وصول آن خیلی زود ممکن نبود، حفار کوچکی خریدند که تا ورود لاروب بزرگ کار کند؛ اما با حفار کوچک، گرهی گشوده نشد؛ چون لاروب بزرگ، سرانجام از آلمان رسید از آن نیز کاری بر نیامد. ناگزیر به فروشنده اعتراض شد. از آلمان کارشناسی فرستادند. او اگرچه لاروب را اندکی بکار انداخت، اما باز هم بی نتیجه بود؛ زیرا این

دستگاه می توانست، در چند سال تنگه را لاروبی کند که این خود چاره عاجل کار نبود. اما نارسائی به همین جا پایان نمی یافت، زیرا جائی را که لاروب بطور ناکافی لاروبی می کند، پس از مدتی به گونه نخستین باز می گردد. پس نتیجه آنکه لاروب به هیچ روی قدرت کار لازم را نداشت. کارشناس آلمانی گفت اندازه هائی را که برای ما فرستاده بودند هیچ درست نبود، زیرا دستگاهی را که به ما سفارش داده بودند، برای لاروبی لجن نهرها است، نه تنگه عظیمی به درازای ده کیلومتر که خلیج پهناوری را به دریای بزرگی می پیوندد.

قایقهای موتوری شیلات، از فرط سائیدگی به کف تنگه، خیلی زود فرسوده می شد و از این راه زیان دیگری به شیلات می رسید. علاوه بر این، در قسمت عمده کانال، لاروب هیچ قادر بکار نبود. گفته شد: زمین این قسمت از تنگه خیلی سخت است و تیغه های لاروب هیچ قدرت کار ندارد. از اینرو شتابان، از آلمان تیغه دیگری خریدند و آوردند، اما با این تیغه هم گره از کار فرسوده تنگه گشوده نگشت. نباید فراموش کرد که خاویار، کالائی است که خیلی زود فاسد می شود و باید پس از استحصال هر چه زودتر در سردخانه نگاه داشت و تأخیر مایه فساد و زیان است.

خوشبختانه، در سالهای اخیر، ارتفاع آب دریای خزر افزایش یافته و این دشواری کم شده است.

برای ایمنی رفت و آمد و پهلو گرفتن شناورها و احتراز از فرسودگی آنها و زود رسیدن وسالمانندن فرآورده های شیلات، اتصال

امن و آزاد خلیج گرگان به دریای خزر ضرورت فوری دارد و بعلاوه با تجدید این رابطه و اتخاذ تدابیر لازم در رود سیاه آب، می توان پرورش و تکثیر طبیعی ماهی «کلمه» را احیاء کرد و افزایش داد. با توجه به جمعیت روزافزون کشور، که نیاز فزاینده به پروتئین حیوانی دارد، این کار از ضرورت های مهم و فوری است. چنانکه گذشت، لارویی تنگه اکنون دیگر در سطحی بالاتر از سطح فنی و مالی شیلات قرار دارد و نیازمند دخالت مستقیم دولت می باشد.

رودهای خلیج گرگان

جریانهای کوتاه و کم آب چندی، از سوی جنوب به خلیج گرگان روان است، اما از آن میان، بیش از دو رود قابل ذکر نیست، نخست امیرآباد یا چار امام و دیگری سیاه آب.

رودهای خلیج گرگان، برخلاف رودهای مرداب انزلی، برای پرورش طبیعی ماهی و ماهیگیری بجز سیاه آب، مهم نیست. خود خلیج گرگان نیز برخلاف مرداب انزلی، از لحاظ ماهی بی اهمیت گشته است^۲

رود امیرآباد (چهار امام)

رود امیرآباد (چار یا چهار امام) - رود امیرآباد، در گذشته، برای تکثیر طبیعی ماهی اهمیت داشت و در آنجا کپور (به ضم کاف) و کلمه (به ضم کاف) فراوان صید می شد. اما بر اثر رسوب زیاد، از زرفای مصب

خیلی کاسته شده؛ بحدیکه، ماهی مولد، دیگر برای تخم ریزی نمی تواند آزادانه به این رود برود. حقوق بهره برداری امیرآباد در سال (۱۳۱۷-۱۸ خ. -) دوهزار ریال بود که با کلهام «کپور» و «کلمه» صید می گشت، در همان سال مقدار ۲۵۰ تن کلمه در این رود صید شد.^۲

رود سیاه آب (قره سو)

نام رود قره سو، پس از تشکیل شرکت سهامی شیلات ایران، به سیاه آب بدل گشت؛ رود سیاه آب، از کوه های خاوری گرگان سرچشمه می گیرد و شعبه های بسیاری بدان می پیوندد و پس از ۷۵ کیلومتر، میان بندر گز و بندر ترکمن به خلیج گرگان می ریزد. مصب رود سیاه آب از مصب رود گرگان ۱۸ کیلومتر و از بندر ترکمن ۸ کیلومتر و از بندر گز ۱۲ کیلومتر فاصله دارد. مقدار آبی که از این رود به خلیج می رسد، ناچیز است. اما از نظر پرورش طبیعی ماهی، بویژه، جایگاه تخم ریزی ماهی کلمه خیلی مهم است. بسا کمال تأسف، این منبع عظیم پروتئین دریائی بطور روزافزون رو به انقراض رفته است. مشخصات رود سیاه آب در ایستگاه سیاه آب از این قرار است:

مساحت حوضه آبریز	۱۴۲۸ کیلومتر مربع
آبده متوسط از ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۱	۲/۴۹ متر مکعب در ثانیه
آبده متوسط سال ۵۱-۱۳۵۰	۲/۲۳ »
بیشترین آبده لحظه ای	۱۶/۷۰ »
کمترین آبده - بیشتر تابستانها	صفر »

اهمیت رود سیاه آب و خلیج گرگان برای شیلات ایران

از سال (۱۲۸۱ تا ۱۳۲۴ خ.ق) در فاصله ۴۴ سال، میان ۷۳/۵ درصد و ۹۴/۵ درصد ماهی کلمه ایران، از ناحیه سیاه آب بدست آمده است. از این نسبت ها، به خوبی می توان، اهمیت عظیم سیاه آب را برای تأمین قسمتی از ماهی کشور دریافت؛ از اینرو، سرانجام ماهی کلمه ایران، بستگی خیلی زیاد به مراقبت از رود سیاه آب دارد. جای ماهیگیری خلیج گرگان برای کلمه، بیشتر در پیرامون مصب سیاه آب و خود رود سیاه آب، تا بالاتر از دهکده سی جوال قرار دارد؛ از سی جوال تا مصب سیاه آب ۱۲ کیلومتر است. از رود سیاه آب، برای آبیاری کشتزارها بهره فراوان می برند. در نتیجه، برای زیستن و حرکت ماهی به جایگاههای تخم ریزی، از آب رود به قدر کافی باقی نمی ماند. زیرا، انحراف آب به کشتزارها به وسیله بستهای چوبی یا گلی انجام می گیرد که هر بست همه پهنای رودخانه را فرامی گیرد؛ پس راهی برای گذشتن ماهی مولد به سوی جایگاههای تخم ریزی نیست و همچنین ماهی مولدی که پیش از این به بالا رفته و تخم پاشیده، دیگر نمی تواند به خلیج باز گردد. بجه ماهی ها هم با جریان آب به کشتزارها رفته تلف می شوند.

چاره این نابسامانی - نخست در لای رویی عمیق و پیاپی رود است و این خود، نه تنها امکان زیستن و تولید مثل ماهی را افزون می کند، بلکه به کشاورزی و بهبود خاک کشتزارها نیز کمک می کند. زیرا سیاه آب، در عین حال، زهکش آبهای زائد زمینهای پیرامون خود

می باشد؛ از اینرو بازه کشی بهتر و ژرفای بیشتر، بهبود کشتزارها بهتر تأمین می گردد. دیگر آنکه، از بستن سدهای کامل، در تمام پهنای رودخانه، باید سخت جلوگیری تا محلی برای گذشتن ماهی و بچه ماهی بماند.

ماهیگیری ناروا، در سیاه آب با آنکه «حفاظت شده» اعلام گشته بود، متأسفانه تا هنگامی که ماهی بود، ادامه داشت؛ اگر جز این بود، ماهی کلمه با چنین شتاب به سوی انقراض نمی رفت تا به صفر برسد.^۴

ماهی کلمه - ماهی تلاچی یا کلمه دریای خزر (به ضم کاف) از خانواده کپور ماهیان است. در اصطلاح علمی *Rutilus rutilus caspius* نام دارد. چنانکه گذشت، قسمت اعظم ماهی کلمه، در جنوب دریای خزر، از خلیج گرگان بویژه از رود سیاه آب تأمین می شد. رشد کلمه قسمت ایرانی دریای خزر، از کلمه شمال این دریا خیلی بیشتر است؛ به حدیکه رشد کلمه دو سال و نیمه جنوب، به اندازه کلمه پنج ساله شمال است.

از سال (۱۳۰۶ تا ۱۳۱۱ خ.ق) هر سال بطور متوسط ۱۴۵۳ تن کلمه صید شده که بر حسب عدد، به شش میلیون می رسد و این خود ۰/۱۸ کل صید ماهیان پولک دار ایران، در دریای خزر بود. از آن جالب تر، متوسط صید سالهای (۱۲۸۲ تا ۱۲۸۹ خ.ق) «پیش از نخستین جنگ جهانی است» که به سالی ۴۶۳۲ تن می رسید و این خود بر حسب عدد ۱۹/۳ میلیون می شد. محصول صید کلمه این ناحیه، تا مدتی

بازهم روبه افزایش بود.

از (۱۳۴۴ تا ۱۳۵۴ خ.) محصول صید کلمه ایران، میان حد اکثر ۷۴ تن و حداقل ۲۵ تن تغییر کرده؛ از آن پس، به سوی نزدیک صفر و سرانجام به خود صفر رسیده است.

در وضع کنونی کشور و کمبود مواد پروتئین حیوانی، سابقه محصول پنج هزار تن کلمه در سال، از یک ناحیه کوچک، بسیار قابل توجه و دقت است.

پس از خلیج گرگان، مهمترین مرکز پرورش ماهی کلمه، مرداب انزلی بود؛ اما خلیج گرگان نیز اهمیت خود را در پرورش رود سیاه آب داشت.

نباید فراموش کرد که تر کمنهای دشت گسرگان، در گذشته، بیشتر به دامپروری سرگرم بودند. اما از پنجاه سال پیش ساکنون، بطور روزافزون، به کشاورزی روی آورده اند. در نتیجه آب رودهای گرگان و سیاه آب و دیگر رودها که در زمستانهای پیشین آزادانه روان بود، دیگر مانند گذشته آزاد نمی ماند؛ از این رو در هنگام ضرورت، کم یا خیلی کم آب به دریا می رسد و به همین سبب امکان زیستن و تولید مثل ماهی پیوسته کاهش یافته است.

هر چه از آب رود، برای کشتزارها بیشتر مصرف شود و یا بیهوده به هدر رود، به همان نسبت، نسل ماهی کلمه بیشتر آسیب خواهد دید. روشن است که برای احیای نسل ماهی، نمی توان کشاورزی را از زیبح و بن تعطیل کرد؛ اما عکس آن هم درست نیست. پس، باید راهی جست

که هر دو منظور تأمین شود و هیچ يك فدای دیگری نگردد.

رود سیاه آب، از مساندا بهای چندی می گذرد. بسترش در پاره ای جاها لجن زار است. در طول مسیرش، آب آن در بسیاری جاها بی آنکه سودی برساند، به هدر می رود. با اصلاح لازم، در طول مسیر رود و مراقبت مستمر و جدی در زمان بستن و گشودن بست های آبیاری و تطبیق آن با زمان تخم ریزی کلمه و لاروی کلی، یا دست کم در جاهای مهم رود و جز آنها، به حد چشمگیری می توان به منظور نزدیک گشت.

هیچ دلیلی در دست نیست که استعداد طبیعی محیط، برای پرورش کلمه نابود شده باشد، بلکه عوامل انسانی سبب این فاجعه گشته، نظر به اهمیت روزافزون پروتئین حیوانی، با توجه به جمعیت فزاینده کشور، این گامهای کوچک و آسان برای احیای نسل ماهی کلمه ضرورت کامل دارد. اگر باز هم به یاد آوریم که برخی سالها، فرآورده صید کلمه از پنج هزار تن هم افزون بوده، پس باید قبول کرد که با احیای نسل آن، کمک جالبی به تأمین پروتئین حیوانی کشور خواهد شد.^۵

در پایان این بحث افزوده می شود که بطور کلی ناحیه گرگان، پر بارترین نواحی شیلات ایران از لحاظ صید «تاسماهیان» بویژه فیل ماهی می باشد. حدود پنجاه درصد خاویار ایران، از صید تاسماهیان

این ناحیه بدست می آید و فقط يك صیدگاه آن به نام صیدگاه تر کمن، نزدیک دهانه رود اترک، حدود يك چهارم کل خاویار کشور را تأمین می کند. بیشترین مقدار فیل ماهی تا چندی پیش از ناحیه گسرگان بدست می آمد. اما متأسفانه، فیل ماهی، چنانکه مشهور است در دریای خزر کاهش یافته و به طریق اولی در صید و نسبت صید شیلات ایران، اثر بسیار فاحش نهاده است. بهترین و گرانیهاترین انواع خاویار، خاویار فیل ماهی (بلوگا) می باشد.

صیدگاه تر کمن را در نزدیک دهانه رود اترک، نباید با بندر تر کمن اشتباه کرد.

جزیره های آشوراده

در دهانه خلیج گرگان، مجمع الجزائر آشوراده، مرکب از سه جزیره وجود داشت. از اینرو خلیج گرگان را به دریا از چهار تنگه راه بود.

ژنرال «سرپرسی سایکس» افسر مشهور و عامل استعمار بریتانیا، درباره آشوراده چنین نوشته است:^۶

«در سال ۱۸۹۲ م. (۱۲۷۱ خ.) در این جزیره»
 «لنگر انداختم و از کسوف چکی به حیرت افتادم!»
 «چه، آن بقدریست که در موقع توفان امواج»
 «دریا آنجا را می شوید. آب و هوای آنجا»
 «مشهور به بدی است و زندگانی افسرانی که در»

«آنجاها مأمورند، باید خیلی پرمشقت و شدید»
 «وسخت باشد.»

در ماه صفر ۱۲۹۹ ق. (۱۲۶۰ خ.) حاجی محمد میرزا، معروف به «مهندس» به نیم جزیره میانکاله سفر کرده و گزارش آن را، با عنوان «راپورت میانکاله» در ۱۳۰۵ ق. به صورت جزوه ای در آورده؛ که در «کتابخانه ملی ملک»، به شماره ۴۳۳۰ مجموعه خطی نگهداری می شود.

او نوشته است که به فرمان ناصرالدین شاه، دو قلعه در میانکاله ساخته شده: نخست قلعه پلنگان و دیگری قلعه سرتک، که نزدیک انتهای خاوری میانکاله می باشد. میان این دو قلعه پنج ساعت و نیم راه است. میانکاله، زمان شاه عباس کبیر شکارگاه او بوده است. درباره آشوراده چنین نوشته:^۷

«عاشوراده را از دور که ملاحظه کردم، به نظر م،»
 «طولش از مشرق به مغرب به قدر سیصد ذرع»
 «به نظر آمد. در مشرق ده درجه سمت شمالی»
 «قلعه سرتک به بعد يك ساعت و افصح است. اما»
 «از آخر خشکی میانکاله که در کنار بحر است»
 «تا عاشوراده از روی آب، يك میدان فاصله»
 «دارد...»
 «گامیشاده، جزیره ای است در طرف شرقی»
 «عاشوراده به بعد يك میدان واقع، که اکثر»

«اوقات درزیر آب پنهان و گاهی منکشف می.»
 «شود. در میانکاله هر جا را نیم ذرع می کنند،»
 «به آب شیرین و گوارا می رسند...»

به نظر می رسد که منظور از جزیره گامیشاده، همان جزیره آشوراده کوچک است که شرقی ترین جزیره از مجمع الجزائر آشوراده محسوب می شد.

جزیره آشوراده و خلیج گرگان را «نیم مردان» هم گفته اند.^۲
 اکنون در نتیجه کاهش آب دریا، سه جزیره آشوراده در طول نیم جزیره (شبه جزیره) میانکاله، به هم پیوسته و هر سه به این نیم جزیره متصل گشته اند. در نتیجه خلیج گرگان را به دریای خزر، بیش از یک راه نمانده و آن همان تنگه ایست که شرحش گذشت.

در شهریور ۱۳۶۳، تلویزیون تهران فیلمی را درباره «آشوراده» نمایش داد که در آغاز آن بیان شد، که آشوراده همان جزیره «آبسکون» است و سپس درباره ریشه نام آبسکون و تاریخ آن شرحی اظهار گشت که به نظر مؤلف این کتاب درست نیست.

توضیح آنکه، جزیره آبسکون را بی گمان میان سالهای ۱۷۰۴ق. و ۷۰۴ق. آب فرا گرفته و ناپدید گشته است. تا آنجا که معلوم است، در طول تاریخ، آب دریای خزر در سال ۵۲۹ق. به کمترین حد خود رسیده است و آن در هنگام سلطنت آتسز، سومین شاه سلسله خوارزمشاهیان بوده؛ آتسز از ۵۲۱ق. تا ۵۵۱ق. به تقاریق فرمانروائی کرده است. آن هنگام، از مراب انزلی، جز بستری برای رودهایی که

بدان می ریزند نمانده بود؛ در سمت جنوب خاوری دریای خزر نیز بر اثر کاهش آب، جزیره های چندی از زیر آب بیرون آمده بود که از آن میان، جزیره آبسکون، به سبب فرار سلطان علاءالدین محمد خوارزمشاه، در سال ۱۷۰۴ق. به آنجا شهرت یافت.

خواجه نصیرالدین طوسی و الخ بیگ، آبسکون را در ۳۷ درجه و پانزده دقیقه عرض شمالی نوشته اند، که با حدود شمال گمیشان کنونی تطبیق می کند. با توجه به اینکه جزیره های آشوراده، در مدار ۳۶ درجه و ۵۴ دقیقه عرض شمالی قرار دارند و آبسکون در مدار ۲۱ دقیقه شمالی ترواقع شده بود. پس بی گمان جزیره آبسکون، به جز جزیره های آشوراده است.

آب دریای خزر، چون از نوزونی گرفت، جزیره آبسکون در زیر آب ناپدید گشت و از آن پس دیگر هیچگاه پدیدار نشد.

گواه دیگر آنکه در کتاب بساتین الفضل و در فرهنگ جهانگیری و در برهان قاطع که به ترتیب در سالهای ۷۰۴ و ۱۰۱۷ و ۱۰۶۲ هجری قمری تألیف شده اند - در شرح جزیره آبسکون - در سال تألیف هر یک از سه کتاب بطور جدا گانه آمده، که این جزیره را اکنون آب فرا گرفته است.^۸

از توضیحی که گذشت، برمی آید که میان سالهای ۱۷۰۴ق. (سال فرار سلطان محمد خوارزمشاه) و ۷۰۴ق. (سال تألیف کتاب بساتین الفضل) آب، جزیره آبسکون را فرا گرفته و پوشانیده است. توضیح دیگر آنکه، خواجه نصیرالدین طوسی، نابغه بزرگ

علوم ریاضی و هیئت، در سال ۵۹۷ق. (۵۸۰خ. - ۱۲۰۱م.) در طوس زاده شد و به سال ۶۷۲ق. (۶۵۳خ. ۱۲۷۴م.) در بغداد در گذشت. از اینرو آن دانشمند نابغه، هنگام فرار سلطان محمد خسوارزمشاه حیات داشته و از وجود جزیره آبسکون آگاه بوده و محاسبه علمی وی در باره مختصات جغرافیائی این جزیره جنبه عینی داشته نه ذهنی. دلیل دیگر لغت نامه دهخدا و فرهنگ معین است که هر يك از آن دو درباره آشوراده و آبسکون، جدا جدا سخن رانده و به هیچ روی مدعی وحدت موضوع این دو نام نگشته اند. از اینرو تردیدی نیست که جزیره آبسکون، محققاً، بجزر جزیره‌های آشوراده است و یکی پنداشتن آنها درست نیست.

مبحث دوم

تجاوزهای روسیه تزاری

استعمار تزاری و آشوراده‌ها

تاریخ نشان می‌دهد که از سده‌های خیلی پیش، روس‌ها و قزاق‌ها و دیگر طوائف آن سوی دریای خزر، گاه و بیگاه با کشتیهای فراوان به کرانه‌های جنوبی دریای خزر، حمله‌ور می‌شدند و پس از قتل و غارت و ویرانی و آتش‌سوزی، مال و منال مردم را به یغما برده و بر کشتیها نهاده به جایگاه خود باز می‌گشتند.

تا آنجا که در آثار معتبر گذشتگان دقت کرده‌ام، قدیمی‌ترین صحنه از این گونه راهزنیها و یغما گریها را «بهاءالدین محمد بن حسن- بن اسفندیار کاتب» در سال ۶۱۳ هجری قمری در کتاب نفیس «تاریخ طبرستان» آورده است. و آن مربوط به سال ۲۷۸ هجری قمری می‌باشد.^۹

سپس در سفرنامه «کاپیتان چارلز فرانسس مکنزی» نخستین

کنسول انگلیس در رشت است که مختصری از وقایع سال (۱۶۶۸ م. - ۱۰۸۴ ق. - ۱۰۴۷ خ.) را روایت کرده، که شش هزار تن قزاق دن، به فرماندهی «استنکورازین» با چهل کشتی، نخست به گیلان و سپس به مازندران حمله بردند و قتل و غارت بسیار کردند.^{۱۰}

پنج تن از مورخان شوروی، که باهم «تاریخ ایران - ازدوران باستان تا پایان سده هجدهم میلادی» را نوشته‌اند، تعدادی از این راهزنیها را نقل کرده‌اند.^{۱۱}

«شوالیه ژان شاردن» (۱۶۲۳-۱۷۱۳ م. - ۱۰۰۲ - ۱۰۹۲ خ.) پژوهشگر و جهانگرد فرانسوی، در سفرنامه مفصل خود، نیز در این زمینه بسیار سخن رانده است.

اطلاع یافته‌ام که مورخان شوروی، در همین زمینه کتاب مشروح و مستندی نوشته‌اند که من چون روسی نمی‌دانم، نتوانستم از آن استفاده کنم امید است که مترجمان گرامی این مهم را به انجام رسانند.

ولی مسئله مجمع‌الجزائر آشوراده و نیم جزیره میانکاله، نه با جنگهای ایران و روس بر سر قفقاز شبیه است و نه با پیشروی تزاریسم در آسیای میانه؛ و به طریق اولی با راهزنیها و یغماگریهایی هم که در سطرهای پیش بیان شد، قابل مقایسه نیست. تسلط بر آشوراده‌ها و نیم جزیره میانکاله، پدیده‌ای است ناشی از سیر استعمار و گسترش آن در سده نوزدهم و رقابتهای استعماری و فساد و ناتوانی هیئت حاکمه ایران، که در رأس آن شاهان قاجار قرار داشتند؛ و سوء تدبیر و سیاست دولت، که

منجر به کشمکش پیوسته با ترکمنها می‌شد. کشور گشائی و توسعه ارضی نتیجه‌ای تبعی از این عوامل است، نه منشاء و سبب آنها.

مسئله دیگر که ملت ایران را رنج می‌داد، اسیر گرفتن و برده ساختن اسیران و فروش بردگان، در تاشکند و بخارا و خیوه و دیگر شهرهای آسیای میانه است. دولت مرکزی ایران، که تا گلودرمنج‌لاب عیاشی و هرزگی و باج‌ستانی و غارتگری فرورفته بود، قهرراً قادر به جلوگیری از راهزنی و حملات ترکمنها و ازبکها و قرقیزها نبود.

آنان نیز در دریا و خشکی، هم راهزنی و غارت می‌کردند و هم کسانی را که در دسترس بودند، یا مسافرانی را که در راهها می‌یافتند، اسیر کرده و در بازارهای برده فروشان شهرهای آسیای میانه به بهای زیاد می‌فروختند.

جریان آدم‌زدیها و اسیر کردنها و برده ساختن اسیران را، محقق و جهانگرد سوئسی به نام «هانری موزه» Henri Moser در کتاب «سفرنامه ترکستان و ایران یا گذری در آسیای میانه» به تفصیل بیان کرده است.^{۱۲}

هانری موزه، که خود در شهرهای آسیای میانه سیاحت کرده و صحنه‌های رقت‌انگیز برده‌داری را بویژه در خیوه و بخارا و تاشکند دیده؛ و بهای هر برده و باجی که امیر از برده‌فروشی می‌گرفته و بیگاری بردگان و شکنجه و حشت‌انگیز آنان، همه را در آن کتاب آورده است. کتابی که وصف شد، نخستین بار در ۱۸۸۶ در ژنو، به زبان فرانسه نشر یافت.

جالب است بدانیم، که یغماگران آسیای میانه، فقط ایرانیان را نمی‌زدیدند و برده نمی‌ساختند، بلکه روسان را هم اسیر و برده می‌کردند؛ جالب‌تر آنکه برده روسی از برده ایرانی خیلی گرانتر بفروش می‌رسید، ولی عدهٔ بردگان روسی از ایرانی خیلی کمتر بود.

چنین هنگامهٔ آشفته، زمینه مساعدی است، برای پیدایش و نشو و نماي انگلهای زیان بخش و زیان کار، مانند: خضر خان (خدر خان). او تر کمنی گستاخ و آزمند و هرزه و باده پرست و خو و نخوار و یغما گر و بی‌آزم بود. خضر خان، فقط از قدرت فائق و حاکم تمکین می‌کرد؛ و آن هنگام، در آن ناخیه قدرتی جز قدرت روسیه تزاری نبود. چون در آشوراده مسکن داشت و اهل آنجا بود، به خاور و بویژه به جنوب خاوری دریای خزر نیک آشنا بود و تا اندازه‌ای تسلط داشت.

خضر خان، در نزد روسان، در مسئلهٔ شرارت تر کمنها و عمل برده گیری آنان در دریا، تعهد و قرارداد داشت. در مقابل، روسان بدو اجازه داده بودند که از هر یک از سر نشینان کر جیهای تر کمنی ۶ تا ۱۶ قران باج راه بگیرد. مکنزی نوشته است: که خضر خان از جزیره «جریکو» که در خاور دریای خزر و ۲۵۰ کیلومتری میانکاله قرار دارد، دارای درآمد است، که همه را صرف می‌گساری و هرزگی می‌کند.

اما شعاع عمل و اثر خضر خان (خدر خان) و انگلهای همانندش، در حدی که گذشت، هیچگاه نمی‌ماند؛ او چاکر حاکم زورمند روز بود، پس بی‌گمان او مصدر هر گونه خیانت و جنایت بر ضد استقلال ایران

و آزادی ایرانیان بود؛ چنانکه خواهد آمد.

در نابسامانیهای فراوانی که اندکی از آنها بیان شد و رفع آنها از ضرورت‌های خیلی فوری بود؛ محمد شاه قاجار (سلطان غازی) آهنگ فتح هرات و بازستاندن آنجا را از استعمار بریتانیا کرد.

انگلیسیان، در آغاز، برای سرگرم کردن و مشغول داشتن دولت ایران و منصرف ساختن از افغانستان، فتنه‌ها برانگیختند. دیپلماتهای کهنه کاری که از هیچ، معرکه‌ها برپا می‌کنند، در آن آشفته‌گیها و نابسامانیها، نیک آشکار است که بهتر فاجعه می‌سازند.

از اینرو، با آغاز عزیمت نیروهای ایران به سوی هرات (سال ۱۲۵۳ ق. - ۱۸۳۶ م.) در برخی از نقاط کشور شورشها و تشنج‌هایی پیدا شد.

مهمترین آن فتنه‌ها، آشوب‌هایی بود که در صحرای ترکمن (ترکمن صحرا) پدید آمد. اگرچه دولت ایران، «اردشیر میرزا» را مأمور سرکوبی تر کمنها کرده بود و او نیز باموفقیت پیش می‌رفت، اما چون جنگ جنوب، با انگلیسیان در گرفت، دولت ایران برای دفع آشوب تر کمنها، از تزار روس کمک خواست. تزار نیز در آغاز، نیروی اندکی روانه آشوراده کرد، اما چون دولت ایران، پیروزی اردشیر میرزا را به تزار اطلاع داد و درخواست کرد که نیروی اعزامی را از آشوراده فراخواند، وی، به بهانه اینکه، نیروی دریائی انگلیس جزیره خارک، در خلیج فارس و برخی نقاط دیگر را اشغال کرده، از تخلیه آشوراده سر باز زد.

از آن پس نیز هر گاه دولت ایران آن درخواست را تجدید کرد، دولت تزاری، تجاوز و شورش تر کمنها را دست آویز ساخت. سال (۱۲۵۸ ق. - ۱۸۴۲ م.) بار دیگر تر کمنها دست به آشوب و طغیان زدند، دولت تزاری نیز به همین بهانه، چند کشتی دیگر به جنوب دریای خزر فرستاد که در خلیج گرگان و کرانه آشوراده لنگر انداختند.

واقعیت اینست، که دو مسئله اساسی برای استعمار تزاری مطرح بود: نخست، سرکوبی اقوام مختلف آسیای میانه. دوم، مقابله با استعمار بریتانیای کبیر، که از هندوستان، به تمام افغانستان و بلوچستان گسترش یافته بود؛ بدین منظور، درهمه کرانه‌های خاوری و جنوبی دریای خزر، هیچ‌جا امن‌تر و مناسب‌تر از خلیج گرگان و جزیره‌های آشوراده نبود. استعمار تزاری، آن‌جا را مرکز بسیار مناسبی برای توسعه تسلط خود در آسیای میانه تا مرزهای مستعمرات بریتانیای کبیر یافت. از اینرو، استعمار روسیه، از خلیج گرگان و آشوراده‌ها تا پایان عمرش دست برداشت.

همچنانکه در سفرنامه کاپیتان مکنتزی و روزنامه خاطرات اعتماد-السلطنه، خواهیم دید: در آشور که برای آماج‌های نظامی و سیاسی، بیشتر اهمیت داشت و به کرانه‌های خاوری و جنوب خاوری نزدیک‌تر بود، خانه‌ها و ۴ سربازخانه و بیمارستان و بطور کلی، در حد گنجایش آشوراده ساختمانها احداث کردند. چون جزیره بیش از آن ظرفیت نداشت، مقداری از تأسیسات و حتی زندان تزاریان، در آغاز در داخل

کشتیها بود.

چون نوبت سلطنت به ناصرالدین شاه قاجار رسید، بلافاصله، صدارت کشور را به میرزا تقی‌خان امیر کبیر تفویض کرد. امیر کبیر، پس از چندی در صدد پس گرفتن آشوراده برآمد و به «کنت نستلرد» وزیر امور خارجه روسیه تزاری در ربیع‌الاول سال ۱۲۶۶ نوشت:

«...البته مسموع داشته‌اید، که توقف بحریان»
«و سفائن آن دولت بهیه، در جزیره عاشوراده،»
«ملك طلق این دولت، زیاد مایه استیحا ش شده»
«است... قراری برای تخلیه جزیره عاشوراده،»
«ملك دولت علیه ایران، خواهند فرمود.»

کنت نستلرد، در پاسخ (۴ آوریل ۱۸۵۰ - جمادی ۱۲۶۶) اگر چه منکر حقانیت ایران نشد، ولی قراری هم برای تخلیه مجمع‌الجزائر آشوراده نگذاشت.

مهدی قلی میرزا، عموی ناصرالدین شاه که استاندار مازندران بود، روی خوشی به تزاریان و عمال سیاسی و نظامی آنان نشان نمی‌داد، قهرآ مورد بغض و کینه عوامل استعمار تزاری بود؛ از اینرو از امیر کبیر درخواست عزل وی را کردند، اما امیر کبیر که از حسن خدمت و صدق رفتار او خرسند بود، تن به تقاضای روسان نداد.

خضرخان (خدرخان) تر کمین، که شرحش گذشت، برعکس مورد عنایت و اعتماد تزاریان بود، از اینرو امیر کبیر جداً از مهدی قلی میرزا پشتیبانی می‌کرد و در مقابل طرد خضرخان (خدرخان) را از

تزاریان می‌خواست.

بدین سبب نامه‌ای در نهم رجب ۱۲۶۷ به سفارت تزاری نوشت که قسمتی از آن چنین است:

«... دریابییگی آن دولت بهیه، خدر نام تر کمان»
 «را حمایت و نگاهداری نموده و مداخله در امور»
 «تر کمانان می‌نماید و بدین جهت، راه معاملات»
 «و آمد و شد تر کمانان تبعه استر آباد، از دریا،»
 «به مازندران و استر آباد مسدود شده و از آوردن»
 «نقط و نمک که محتاج الیه عمده اهالی دارالمرز»
 «است و بردن شالی که متاع مازندران و مایه»
 «گذران تر کمانان مزبور است، ممانعت و چند»
 «لتکاء تر کمانان مزبور را ضبط نموده اند و»
 «همچنین چند نفر از مفسده جویان تر کمانها را،»
 «خدر نام، با خود همراه و همدست نموده و از»
 «کنار فرضه مازندران، به اسیر بردن و حرکات»
 «ناهنجار مشغولند و آدم بسیاری به اسیری»
 «برده اند. در صورتیکه عالیجاه دریابییگی، از»
 «خدر نام تقویت نماید و مداخله در امور تر کمانان»
 «کند و اهالی ایل، که بر حسب و نسب و اعتبار»
 «از او بیشترند، تمکین از این معنی که مایه»
 «تعصب آنها می‌شود نمایند... این مردم»

«صحرائی بسد طبیعت، اقدام به جسارتی کنند»
 «آیانتیجه این اعمال در عهده عالیجاه دریابییگی»
 «خواهد بود یا حکام این طرف؟...»

روابط ایران و روس، به صورت خیلی حساسی در آمده بود. کمترین شراره، سبب انفجار و بروز بلیه می‌شد. اگر چه دولت ایران، کمال احتیاط را مرعی می‌داشت. ولی با این همه، ناگهان حادثه تکان دهنده‌ای روی داد که سبب تشنج سختی شد. از این قرار:

شب عید پاک (آوریل ۱۸۵۱ - جمادی الثانی ۱۲۶۷) هنگامی که همه افسران و ناویان پنج کشتی، با خانواده‌های آنان، در آشوراده، جشن برپا کرده و جملگی از باده ناب سرمست بودند، ناگهان جمعی از تر کمانان یموت به آشوراده حمله ور گشتند، عده‌ای از روسان را کشته و برخی را به اسارت بردند.

بنا به نوشته «گرانٹ واتسن» دیپلمات انگلیسی، دوتن از زنان روس نیز در میان اسیران بودند.

این خواری بر تزاریان سخت گران آمد.

از آن پیش نیز تر کمنها، گاه‌گاه به پادگان روسان، در آشوراده و پیرامون دستبرد می‌زدند، اما این بار شب عید پاک را برگزیدند، که همه از شراب مست و خراب بودند.

امیر کبیر، همراه شاه، عازم اصفهان بود که این خبر بد، بدو رسید و به دنبال آن، اعتراض شدید روسان و سفارت روس را دریافت کرد.

کنسول روس، بی مقدمه و دلیل، مهدی قلی میرزا را محسرك و مسئول آن قتل و غارت معرفی کرد و سفارت روس نیز در عزل وی پای فشرد.

«پرنس دالگورکی» وزیر مختار روسیه، امپراتور را از وقایع آگاه کرد و او را نیز برانگیخت. هر چه دولت ایران، درخواست تشکیل کمیسیون بازرسی و تحقیق می کرد، تزاریان توجه نمی نمودند. سرانجام سفارت روس اتمام حجت دار که، طبق دستور امپراتور، مذاکره و مکاتبه را ادامه نخواهد داد و اگر خواسته اش را نپذیرند روابط را قطع می کند و از ایران می رود.

در این هنگام، يك هنگ دیگر از سربازان روس در جزیره آشوراده پیاده شد و به پادگان سابق افزوده گشت.

شیخ جنگ میان دو طرف نامساوی، خودنمائی کرد، امیر کبیر، دگر بار خرد و احتیاط را نشان داد و به خواسته ستمگرانه تزاریان تسلیم شد.

برای حفظ موازنه سیاسی در روابط خارجی، میرزا تقی خان، به انگلیسیان نیراجازه بازرسی کشتی هارا، برای جلوگیری از تجارت برده داد.

«روسها، رفته رفته آن جزیره را مبدل به پایگاهی»

«مستحکم و مجهز نمودند و تا آخر عمر دوران»

«تزارها، آشوراده را در تصرف داشتند. پس از»

«سقوط تزارو روی کار آمدن شوراهها، این جزیره»

«از سالداته های روسی تخلیه و تحویل ایران
«شد. ۱۲»

گزارش کنسول انگلیس درباره آشوراده و روسان

پس از شکست ایران از انگلیسیان، بر سر مسئله هرات (۱۲۷۳ ق. - ۱۸۵۶ م.) و عقد معاهده پاریس (۱۲۷۴ ق. - ۱۸۵۷ م.) دولت انگلیس، مجاز به تأسیس کنسولگری در شهرهای ایران گشت. نخستین کنسول انگلیس که پس از آن معاهده بهرشت آمد،

کاپیتان چارلز فرانسیس مکینزی Capitan Charles Franciss Mackenzie نام داشت. او از ۱۸۴۰ به خدمت کمپانی هند شرقی درآمد و در هندوستان تدریجاً ترقی کرد. تا آنکه، در اکتبر ۱۸۵۸ کنسول بریتانیا در رشت شد و در دسامبر همان سال، سفری به استرآباد کرد و گزارش مشروحی از وضع اجتماعی و اقتصادی و سیاسی گیلان و مازندران و استرآباد، به دولت خود داد. اما دقت بیشتری، متوجه تحقیق در نفوذ محلی و روابط روس ها با مردم، بطور کلی، و خصوصاً با ترکمن ها بود. همچنین، وضع و موقع قدرت روسیه تزاری را در جنوب دریای خزر با کنجکاو بررسی کرد. باخوی دیپلماسی، همه جا با مأموران سیاسی و نظامی روس، با ظاهر ملاطفت آمیز برخورد می کرد. مکینزی، موقع جغرافیائی و وضع کوهها و رودها و راههای شمال ایران را از لحاظ نظامی، بررسی کرده و همزمان از توجه به گسترش بازار گانی ایران و انگلستان و رقابت با روسیه غفلت نورزیده است.

مکنزی، در زمینه‌های بالا، به جزیره‌های آشوراده و نیم جزیره میانکاله و ناوگان جنگی و بازرگانی روسیه در آن پیرامون، توجه خاصی داشت. نباید فراموش کرد که از استقرار روسان در آشوراده (۱۲۵۴ ق. - ۱۸۳۶ م.) تا سفر کاپیتان مکنزی به آنجا (۱۲۷۵ ق. - ۱۸۵۸-۵۹ م.) بیش از بیست سال نمی‌گذشت و هنوز پایگاه آنجا را مستحکم نکرده بودند.

بررسی‌های مکنزی، برای پژوهشگران دیگر مانند: «رابینو» و «چارلز عیسوی» و دکتر «منوچهر ستوده» و جز آنان، منبع خیلی جالبی بوده است.

آنچه را او با چشمان خود در آشوراده‌ها دیده، برای روشن‌تر شدن محتوی و هدف این کتاب بسیار سودمند است. از این رو قسمتهائی را که درباره آشوراده‌ها و میانکاله و ناوگان و توپخانه استعمار تزاری است از سفرنامه مکنزی برگزیده و در پائین می‌آورم:^{۱۴}

«مهمترین اشتباهی که مرتکب شدند (منظور) «اشتباه دولت ایران است.» در ۱۸۱۳ بود، که حق»
 «نگهداری کشتی جنگی، در روی دریای خزر»
 «را از دست دادند؛ ولی اکنون چاره‌ای ندارند»
 «این اشتباه و سپس اشتباه واگذاری آشوراده»
 «به روسها، باعث شده است که اینها، به بهانه»
 «سرکوبی ترکمنها، برای خود اعتباری به دست»
 «آورند ...»

«پیشرفت روسها - آقای «آبت» می‌گوید: که»
 «روسها مدت‌ها مایل بودند، در خلیج حسینقلی»
 «یا گمش تپه مستقر شوند؛ ولسی از این گفته»
 «مدتی می‌گذرد و رئیس قوای روس فقط»
 «چندین بار به آنجا آمده و ترکمن‌ها را که»
 «مرتکب قتل و غارت شده بودند، تنبیه نموده»
 «و مراجعت کرده است. دلیلی به نظر نمی‌رسد»
 «که روسها خیال داشته باشند در حسینقلی ویا»
 «جای دیگر قلعه بسازند، البته ممکن است بعدها»
 «چنین اقدامی بکنند. در هر صورت اگر اکنون»
 «هم میل داشته باشند که از چنین روشی پیروی»
 «کنند، با کوچکترین اشکالی رو برو نخواهند»
 «شد؛ به خصوص که خضرخان معروف، مطیع»
 «آنها است و املاکی در ساحل دریا دارد که»
 «هر لحظه می‌تواند به آنان بفروشد و چون»
 «دائم الخمر است، شاید، با چند جعبه عرق»
 «به این معامله رضایت دهد.»
 «عبور قوای مهاجم، در این منطقه از دهانه»
 «گرگان و از طریق بجنورد و قوچان تا مشهد»
 «بسیار آسان است، ولی من معتقدم که در حال»
 «حاضر، روسها چنین نقشه‌ای ندارند ... برای»